

جام جم **سید ناصر نعمتی**

ریاکارانه ایالات متحده به بقیه جهان است.» این جمله یک سیاستمدار شرقی و شعار رسانه‌های ضد استکباری نیست بلکه اظهار نظر پروفسور گراهام، استاد علوم سیاسی دانشگاه استنفورد در باره رویکرد آمریکا به مقوله تروریسم است که در کتاب خود به آن اشاره می‌کند.نگاه ریاکارانه‌ای که تاریخ دشمنی‌های این کشور با ایران نشانه‌های بسیاری از آن دارد.

خاطره مردم‌ایران گروهک‌هایی را به یاد دارد که ششم و هفتم تیرماه را در تقویم تاریخ ایران خونین رقم زدند؛ گروهک‌هایی که مورد لطف آمریکا بوده و با حمایت‌های این کشور اهداف مشترک خود را اجرایی کرده‌اند.
نوع مواجهه مقامات آمریکایی با منافقین که خود به بسیاری از اقدامات تروریستی در ایران و دیگر کشورها اعتراف کرده‌اند، نشان از سیاست یک بام و دو هوای این کشور در برابر تروریسم دارد. اقدام آمریکا برای خارج کردن گروهک‌منافقین از فهرست گروه‌های تروریستی گواهی بر این مدعاست. گزارش‌های بسیاری از سازمان‌های اطلاعاتی و منابع رسمی موجب شده بود مدت زمان طولانی‌نام این سازمان در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داشته باشد.

□ **تروریسم «بد»**، **تروریسم «خوب»**
عده‌ای بر این عقیده‌اند که مبارزه با تروریسم نه

نگاهی به حمایت‌های همراه با سکوت ایالات متحده در برابر برخی گروه‌های تروریستی

پشت پرده بازی آمریکا با مهره تروریسم

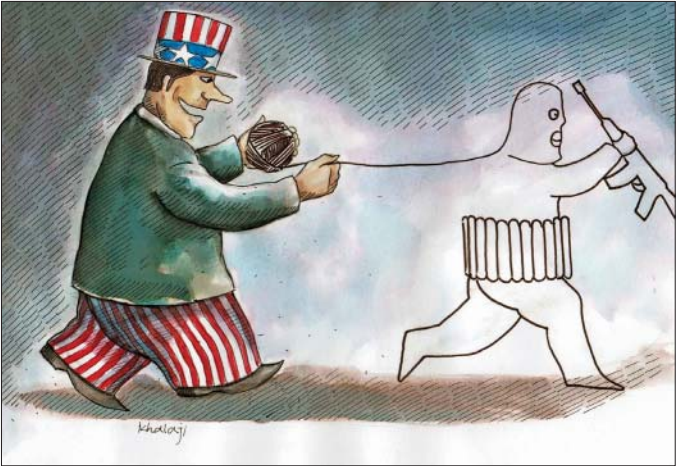
یک اعتقاد و برنامه اساسی بلکه یک راهبرد سیاسی از سوی ایالات متحده محسوب می‌شود. مبارزه با تروریسم از ابتدای طرح آن و بخصوص پس از فروپاشی شوروی جایگزین مبارزه با کمونیسم و پوششی برای تحقق اهداف بین‌المللی این کشور شده است. این راهبرد پس از ۱۱ سپتامبر جایگاه محکم‌تری در سیاست‌های واشنگتن یافت به طوری که رسانه‌های آمریکایی نیز از آن یک مطالبه عمومی ساختند و حالا مقامات آمریکایی باید در این برنامه طراحی شده به این مطالبه پاسخ می‌داند.

این ابزار تازه برای دستیابی آمریکا به منافع خود در سراسر جهان و بخصوص منطقه غرب آسیا که از اهمیت خاصی برخوردار بود، بهانه هر لشکر کشی و اقدام بین‌المللی این کشور شد.انتقادها زمانی از این کشور بیشتر شد که نوع مواجهه دو گانه آمریکایی با مساله تروریسم این معنا را در اذهان القا می‌کرد که گویا مقامات این کشور به تروریسم خوب و تروریسم بد معتقدند. نمونه آن، مواضع آمریکا در برابر گروه القاعده در کشورهای عراق و سوریه است. اظهار نظرهای بسیاری القاعده را در عراق تروریست بد و موجب ناامنی تلقی می‌کرد و در مقابل، همین گروه و اهدافش را در سوریه از آذینخواه به شمار می‌آورد. این در حالی است که اگر قاب‌بندی رسانه‌های آمریکایی از این ماجراها را کنار بگذاریم، ماهیت رفتار ضد انسانی این گروه در این کشورها تفاوت چندانی ندارد و این تنها منافع آمریکاست که

رویکرد این کشور را به این خشونت‌ها تغییر می‌دهد و دو نوع تروریست را به جهان معرفی می‌کند. از همین رو آمریکا حمایت‌های آشکار و پنهان بسیاری از این گروه‌های تروریستی به عمل می‌آورد. گروهک منافقین به عنوان یکی از گروه‌هایی که در راستای منافع ایالات متحده در منطقه گام برداشته همیشه از این حمایت‌ها بهره‌مند بوده است و غیر از خروج نام این گروهک از فهرست گروه‌های تروریستی، کمک‌های سیاسی و بین‌المللی بسیاری برای فراهم کردن زمینه‌های بقای این گروهک پس از اخراج از یادگان اشرف در عراق به این گروهک شده است.

علاوه بر این، کارنامه آمریکایی‌ها در حمایت از گروه‌های تروریستی دیگر در منطقه و جهان نیز روشن است. پرده برداری ویکی لیکس و اسنودن از ماجرای شکل‌گیری داعش و نقش آمریکا و اسرائیل در بهره‌برداری از اقدامات این گروه تروریستی نوظهور یکی دیگر از این نمونه‌هاست؛ اسنادی که با سند‌های درز پیدا کرده از کنسولگری آمریکا در بنغازی لیبی نیز مطابقت داشت.

به همین ترتیب گروه‌های تروریستی جبهه النصره، جبهه اسلامی ازادیبخش سوریه و ارتش آزاد این کشور نمونه‌های دیگری هستند که تاکنون اسنادی مبنی بر حمایت و کمک آمریکا از آنان منتشر شده است. اینها تنها بخشی از حمایت‌ها و دخالت‌های تروریستی این کشور در منطقه غرب آسیاست و اسناد دیگری به حمایت‌های بین‌المللی



واشنگتن از فعالیت‌های تروریستی اشاره می‌کند. در این زمینه به فهرست‌های بیشتری می‌توان اشاره کرد که در مقاطع زمانی مختلف از سوی خود آمریکایی‌ها نیز تأیید شده‌اند. حمایت این کشور از تروریست‌های ضد بلیواری، اقدامات جدایی طلبان تبت، اتحادیه دفاع یهودی و اقدامات حزب پلنگ سیاه، نمونه‌های دیگری از اینهاست.

□ **متهم در جایگاه مدعی العموم!**

نکته جالب توجه اینجاست که هفته گذشته وزارت امور خارجه آمریکا در گزارش سالانه خود درباره وضع تروریسم به ایران اشاره کرده و تهران را در فهرست کشورهای حامی تروریسم قرار داد. گزارشی که در بجهت‌ه نگارش متن توافق جامع هسته‌ای ایران و ۵+۱ انتشار آن با اهداف از پیش طراحی شده به نظر می‌رسید. سخنگوی وزارت امور خارجه ایران این گزارش را دور از واقعیت‌های جاری

ریشه‌های

چنین رویکردی در اسناد سفارتخانه آمریکا در تهران که توسط دانشجویان انقلابی منتشر شد نیز مورد تأیید است، بخصوص استفاده از ظرفیت‌های قومیت‌ها و اقدامات گروهک‌های تروریستی برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران.

□ **بازنمایی معنادار تروریسم در رسانه‌های آمریکایی**

در این میان نوع مواجهه آمریکایی‌ها با این گروهک‌ها و به طور کل مساله تروریسم در سطح رسانه‌ای در جای خود قابل تامل است. این نوع مواجهه در سه سطح قابل تحلیل است؛ سطح اول استفاده از واژه تروریست برای گروه‌هایی است که خلاف منافع آمریکا در منطقه و جهان اقدام می‌کنند. در این رویکرد، رسانه‌ها و مقامات آمریکایی همان‌طور که اشاره شد عملیات تروریستی القاعده در دو کشور مختلف را با دو نگاه متفاوت تفسیر و تشریح می‌کنند. استفاده از عنوان مبارز، پیکارجو و معترض به جای تروریست مورد استفاده این رسانه‌ها قرار می‌گیرد و بر اساس منافع و سیاست‌های آمریکا این واژه‌ها به کار گرفته می‌شوند.

در سطح دوم برجسته‌سازی آن دسته از اقداماتی قرار دارد که در نقشه سیاست‌های ایالات متحده جای می‌گیرند. به تعبیر دیگر رسانه‌ها و مقامات آمریکایی تنها آن دسته از جنایات انسانی و تروریستی رامی‌بینند و برجسته‌سازی می‌کنند که بتوانند پس از طرح آن، گامی به سوی تأمین اهداف خود بردارند. ناپدیده گرفتن حملات عربستان به یمنی‌ها و کشتار غیرنظامیان به منظور حفظ راهبرد خود در نزدیکی به متحدان منطقه‌ای و همچنین که تلاوم حضور این کشور و دخالت آن را در مسائل منطقه‌ای تضمین می‌کند.

برای حفظ شرایط حضور نیروهای خود در این کشور در این چارچوب تحلیل می‌شود.

سطح سوم معادل سازی‌هایی است که از سوی رسانه‌ها و مقامات آمریکایی برای واژه تروریسم می‌شود. آنها با استفاده مکرر و هوشمندانه از این واژه در کنار کلماتی همچون مسلمانان تندرو، اسلامگرایان افراطی و واژه‌هایی از این نوع، کاری می‌کنند که مخاطبان تلقی جهت‌داری از تروریسم داشته باشند. در نگاهی دیگر استفاده مکرر از واژه تروریسم در گزارش‌ها و اخبار و برنامه‌های مرتبط با ایران و منطقه غرب آسیا همین تلقی را در ارتباط با این مناطق جغرافیایی و رویکردهای کلی در این مناطق به دنبال دارد.

□ **راهبرد حمایت و سکوت**

تروریست‌ها در رویکرد آمریکایی همچون پیمانکارانی عمل می‌کنند که در نقاط مختلف جهان تا زمانی که به استراتژی‌های آمریکایی کمک‌کنند در برابر شعار مبارزه با تروریسم در امان خواهند بود. گویی در نگاه داعیه‌داران مبارزه با تروریسم این پدیده باید وجود داشته باشد تا بر اساس آن گاهی برای مبارزه با آن و گاهی برای حمایت از آن گام‌هایی برداشته شود. حمایت‌هایی که در پشت پرده بازی‌های سیاسی در قالب کمک‌های تسلیحاتی و مالی و در انتظار عمومی با راهبرد سکوت انجام می‌شود.

از این‌رهگذر بخوبی می‌توان رفتار سیاسی و دیپلماتیک دولت آمریکا را در دهه گذشته تحلیل و عملکرد این کشور را در مبارزه با تروریسم به معنای واقعی آن ارزیابی کرد. انتشار گزارش سالانه درباره وضع تروریسم در دنیا آن هم از سوی ایالات متحده نیز راه خوبی برای فرار از این است که عملکرد این کشور در برابر تروریسم مورد داوری قرار گیرد.